

تحلیل اولویتها، چالشها و راهکارهای گروه معارف اسلامی از منظر اساتید معارف خراسان جنوبی

فاطمه ملاحسنی^۱، راضیه سیروسی القار^۲

چکیده

هدف: گروه معارف اسلامی در دانشگاهها نقشی کلیدی در تقویت هویت دینی و فرهنگی دانشجویان ایفا می‌کند. با این وجود، این گروه با چالشهایی مواجه بوده که اثربخشی دروس را تحت تأثیر قرار داده است. هدف این پژوهش، شناسایی چالشها، اولویتها و راهکارهای بهبود وضعیت گروه معارف اسلامی در دانشگاههای استان خراسان جنوبی از دیدگاه اساتید بود. **روش:** این تحقیق به روش کیفی و با رویکرد اکتشافی انجام شد. داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با ۱۵ نفر از اساتید معارف اسلامی گردآوری شد. تحلیل داده‌ها با روش تحلیل مضمون و با استفاده از نرم‌افزار MAXQDA صورت پذیرفت. برای افزایش اعتبار داده‌ها، کدگذاری مشترک توسط دو پژوهشگر انجام شد. **یافته‌ها:** نتایج نشان داد که مهم‌ترین اولویتهای مورد تأکید اساتید، شامل تبیین‌گری در حوزه انقلاب اسلامی، تسلط علمی، مهارتهای ارتباطی و شایستگی‌های اخلاقی بوده است. چالشهای اساتید در چهار محور دسته‌بندی شد: مشکلات ساختاری و کمبود اعضای هیئت علمی، نگاه منفی برخی دانشجویان به دروس معارف، جذاب نبودن محتوای آموزشی و مشکلات مربوط به تراکم کلاسها. اساتید برای رفع این چالشها، راهکارهایی از جمله: به‌روزرسانی محتوا، ارتقای مهارتهای تدریس، استفاده از روشهای نوآورانه و اصلاح ساختارهای سازمانی را پیشنهاد کردند. **نتیجه‌گیری:** توجه به نیازهای نسل جدید، ارتقای مهارتهای ارتباطی و علمی اساتید و بازنگری در محتوای دروس، از جمله اقدامات ضروری برای بهبود کیفیت آموزش معارف اسلامی است.

واژگان کلیدی: دروس معارف، چالشهای دروس معارف، اولویتهای تدریس، اساتید معارف خراسان جنوبی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۲۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۲۷

۱. استادیار گروه آموزش معارف اسلامی، دانشگاه فرهنگیان. تهران، ایران. f.molahasani@cfu.ac.ir

۲. استادیار گروه آموزش معارف اسلامی، دانشگاه فرهنگیان. تهران، ایران (نویسنده مسئول) r.sirousi@cfu.ac.ir

الف) مقدمه

تربیت نیروی انسانی متعهد و دارای تفکر مذهبی و ایمانی، از مؤلفه‌های اساسی آموزش عالی به شمار می‌رود. دانشگاه‌ها باید علاوه بر تربیت نیروی متخصص، دانشجویان را به همراهی با معنویت سوق دهند تا افرادی مؤمن، مهذب، مستقل و خودباور تربیت شوند. این تربیت باید به گونه‌ای باشد که علم و ایمان را توأمان در نظر بگیرد؛ چرا که علم و تعهد به منزله دو بال برای رسیدن به تعالی‌اند (حبیبی، ۱۳۷۹: ۱۷۴). چنین تربیتی، جوانان را از نظر اعتقادی، شخصیتی و اخلاقی به فضایل آراسته می‌کند و باعث می‌شود به فرهنگ دینی خود باور پیدا کنند.

در این راستا، نهاد رهبری در دانشگاه‌ها مسئول تقویت ارزشهای اسلامی و اخلاقی در میان دانشجویان است و با اجرای برنامه‌های فرهنگی و تربیتی، زمینه تعامل با دانشجویان را فراهم می‌کند. همچنین با برگزاری نشستهای علمی و مذهبی، فرصت انتقال مفاهیم دینی و ارائه مشاوره‌های روحی و روانی را فراهم می‌سازد. این نهاد به عنوان پل ارتباطی میان دانشجویان و ارزشهای دینی، وظیفه هدایت فکری و نظارت بر رشد تربیتی آنان را بر عهده دارد. معاونت دانشجویی با مدیریت کارگاهها و دوره‌های آموزشی، به ارتقای آگاهی دانشجویان نسبت به آموزه‌های اسلامی کمک می‌کند. معاونت فرهنگی نیز با مشاوره‌های تخصصی و حمایت از گروه‌های مذهبی دانشجویی، به تقویت بنیانهای دینی جامعه دانشگاهی می‌پردازد. گروه معارف اسلامی نقش مهمی در تبیین مبانی معرفتی دین بر عهده دارد. در مصوبات برنامه‌ریزی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، هدف از ارائه دروس معارف اسلامی افزایش شناخت دانشجویان نسبت به مسائل دینی، اطلاع از ارزشهای انسانی و ایجاد تغییرات مطلوب در تفکر است. (توفیقی، ۱۳۸۱)

به همین منظور، پس از پیروزی انقلاب اسلامی، دروس معارف اسلامی، به عنوان دروس عمومی در تمامی رشته‌های دانشگاهی گنجانده شد تا چارچوبی برای رشد فضایل اخلاقی و دینی دانشجویان فراهم شود (مجیدی و فاتحی، ۱۳۸۵: ۱). این دروس با هدف تعمیق باورهای دینی، ارتقای آگاهی‌های فرهنگی و تقویت هویت اسلامی، طراحی شده‌اند و به دانشجویان کمک می‌کنند تا علاوه بر دانش تخصصی، به فضایل انسانی نیز آراسته شوند. (یوسفی لویه، ۱۳۸۶)

از بدو انقلاب فرهنگی، مسئولیت تربیت دینی دانشجویان به طور مشخص بر عهده گروه‌های معارف اسلامی در دانشگاه‌ها نهاده شده است. در دهه‌های اخیر، این دروس شاهد تحولات کمی و کیفی قابل توجهی بوده‌اند. به منظور انسجام و اثربخشی بیشتر، این دروس

در پانصد و چهل و دومین جلسه شورای عالی انقلاب فرهنگی مورخ ۱۳۸۳/۴/۲۳، در قالب شش گرایش و ۱۶ عنوان درسی، با گرایشهای مبانی نظری اسلام، اخلاق اسلامی، انقلاب اسلامی، تاریخ و تمدن اسلامی و آشنایی با منابع اسلامی، به تصویب رسید و برای اجرا به دانشگاهها ابلاغ شد. گروههای معارف اسلامی در دانشگاههای کشور، به عنوان یکی از ارکان اساسی نظام آموزش عالی، نقش خطیری در تربیت همه‌جانبه دانشجویان بر عهده دارند. این گروه‌ها با ارائه موضوعاتی در حوزه دین و اخلاق، می‌کوشند تا ضمن تقویت باورها و ارزشهای اسلامی، به تعالی معنوی و فرهنگی جامعه نیز یاری رسانند.

این دروس، نه تنها به عنوان دروس عمومی، بلکه به عنوان ابزاری مؤثر در شکل‌گیری هویت دینی و فرهنگی دانشجویان مورد توجه قرار گرفتند. در این راستا، اهمیت این دروس در آموزش عالی امری غیر قابل انکار است. به ویژه که در عصر حاضر، بحرانهای فزاینده در حوزه‌های مختلف زندگی انسان، نظیر پیشرفتهای فناوری، تغییرات اجتماعی و نوسانات فرهنگی، باعث می‌شود که مسائل و مشکلات فکری و روحی افراد روز به روز افزایش یابد. این شرایط، چالشهایی را برای متون دینی و آموزشی به وجود می‌آورد که می‌تواند به تدریج ارزشهای دینی را تحت تأثیر قرار دهد و موجب فاصله‌گیری افراد از آموزه‌های دینی و مذهبی شود.

از طرف دیگر، فلسفه‌هایی مانند تجربه‌گرایی و مادی‌گرایی، با تأکید بر جنبه‌های ظاهری و مادی زندگی، باعث کاهش توجه به بعد معنوی و روحانی انسانها شده‌اند. این شرایط به کم‌رنگ شدن آگاهی دینی و معنوی در جوانان منجر شده و فاصله‌ها را در روند تفکر دینی ایجاد می‌کند (محمدی، ۱۳۸۹: ۱۸۵). در این محیط، دانشگاه به عنوان یکی از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی، به محل تضارب آرا و عقاید تبدیل شده که در آن اندیشه‌ها می‌توانند بررسی و نقد شوند. این تضاد و تقابل در ناهم‌سویی با باورهای دینی، فرهنگ و اخلاق می‌تواند منجر به عدم انسجام در نگرشهای دینی و ایجاد تغییرات در رفتار اجتماعی دانشجویان شود.

با توجه به این شرایط، شناسایی چالشهایی که دروس معارف اسلامی با آن روبه‌رویند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این چالشها نه تنها مانع از تحقق اهداف آموزشی دروس معارف اسلامی می‌شوند، بلکه می‌توانند تأثیر منفی بر شکل‌گیری شخصیت‌های متعهد و دینی در جامعه داشته باشند. از این رو، ضروری است که به بررسی و ارزیابی دقیق این چالشها پرداخته و راهکارهای مؤثری برای بهبود کیفیت آموزش در این حوزه ارائه شود. با توجه به تحولات سریع و تغییرات گسترده در جامعه، نیاز به بازنگری و تضمین کارایی دروس معارف

اسلامی از جهات مختلف، از جمله: محتوایی، روش‌شناختی و اجتماعی، به عنوان اولویتی مهم باید مورد توجه قرار گیرد. اساتید گروه معارف اسلامی به عنوان مجریان و مفسران این دروس، نقشی کلیدی در مواجهه با چالشها و بهره‌گیری از فرصتها ایفا می‌کنند. درک عمیق از دیدگاهها، تجربیات و دغدغه‌های این اساتید، می‌تواند راهگشای برنامه‌ریزان و سیاستگذاران آموزش عالی به منظور ارتقای کیفیت و اثربخشی دروس معارف اسلامی باشد. از این رو، بررسی دیدگاههای اساتید دروس معارف می‌تواند به ارائه راهکارهای عملی و کاربردی برای ارتقای کیفیت این دروس در سطح کشور کمک کند.

در این پژوهش، با تمرکز بر دیدگاههای اساتید معارف اسلامی استان خراسان جنوبی، به سه محور اصلی پرداخته می‌شود: نخست، اولویتهای اساتید معارف اسلامی، به عنوان مجریان اصلی این دروس، بررسی می‌شود. شناخت این اولویتهای می‌تواند به برنامه‌ریزی و سیاستگذاری‌های مؤثر به منظور ارتقای کیفیت آموزش معارف اسلامی کمک کند. در مرتبه بعدی، چالشهای پیش روی گروه معارف اسلامی، با توجه به تغییرات سریع فرهنگی و اجتماعی، تحلیل می‌شود. شناسایی این چالشها می‌تواند به ارائه راهکارهای مناسب برای رفع موانع و تقویت نقاط قوت این گروه منجر شود. سپس، راهکارهای پیشنهادی برای بهبود وضعیت آموزش و فعالیتهای گروه معارف اسلامی، با بهره‌گیری از نظرات و تجربیات اساتید این حوزه، بررسی می‌شود. این راهکارها می‌توانند بستری مناسب برای اصلاح ساختارها، به‌روزرسانی محتوای آموزشی و ارتقای جایگاه دروس معارف در دانشگاهها فراهم آورند. یافته‌های این پژوهش می‌تواند زمینه را برای اتخاذ تصمیمات آگاهانه و اثربخش برای بهبود وضعیت دروس معارف اسلامی و ارتقای نقش این دروس در تربیت نسل آینده کشور فراهم آورد.

۱. پیشینه تحقیق

گروه معارف اسلامی در دانشگاهها، به عنوان یکی از نهادهای اصلی آموزشی و فرهنگی، وظیفه انتقال مفاهیم دینی و تقویت هویت معنوی دانشجویان را بر عهده دارد. با این حال، مطالعات نشان می‌دهند این گروه با آسیبها و چالشهایی مواجه است که اثربخشی آن را کاهش داده است. برخی پژوهشها نیز به تعیین اولویتهای و ارائه راهکارهایی برای بهبود وضعیت این گروه پرداخته‌اند. پیشینه تحقیق بر اساس سه محور اصلی؛ یعنی اولویتهای، چالشها و راهکارها به شرح تنظیم شده است.

یک) اولویتهای تحول در حوزه معارف اسلامی

در پژوهش «نیازسنجی آموزشی اساتید گروه معارف در دانشگاههای تهران» به روش توصیفی-پیمایشی، سه سطح نیاز دانشی، نگرشی و مهارتی اساتید بررسی شده است. نتایج نشان می‌دهد اساتید نیازمند آموزش در حوزه‌هایی چون: روان‌شناسی جوانان، پاسخگویی به شبهات، سواد رسانه‌ای، مهارت‌های مشاوره و مهارت‌های ارتباطی‌اند. (دارابی و همکاران، ۱۳۹۱)

مطالعه دیگری با بررسی فرهنگ آموزش و یادگیری در دو نسل از اعضای هیئت علمی دانشگاه بیرجند، نشان داده است که اساتید باسابقه، به نقش تربیتی و معنوی خود تأکید دارند؛ در حالی که اساتید تازه‌استخدام، بیشتر بر انتقال محتوا تمرکز دارند. این پژوهش بر لزوم توجه به تربیت شخصیت فراگیران، تعامل دوسویه و نقش الگویی استاد تأکید دارد؛ موضوعی که در دروس معارف اسلامی اهمیت ویژه‌ای دارد. (خوش‌دامن و آیتی، ۱۳۹۲)

فیروزی در پژوهشی با استناد به دیدگاههای دانشجویان علوم پزشکی ارومیه، بر ضرورت بازتعریف جایگاه اساتید معارف تأکید می‌کند. دانشجویان خواهان مشارکت در طراحی محتوا، استفاده از اساتید توانمند و تحول در نظام آموزشی معارف‌اند. (فیروزی، ۱۳۹۴)

در مقاله «ویژگی‌های شناختی و رفتاری مؤثر بر عملکرد اساتید گروه معارف»، ویژگی‌هایی همچون: تسلط علمی، آشنایی با زبانهای خارجی، مهارت تعامل با دانشجو، تواضع، صداقت، صبر و سعه صدر، به عنوان اولویتهای انتخاب و تربیت استاد مطرح شده‌اند. (کاظم‌خانی، ۱۴۰۰)

دو) چالشهای محوری گروه معارف اسلامی

پژوهش «تحلیل و ارزیابی گروه معارف اسلامی دانشگاهها و مراکز آموزش عالی» (مورد مطالعه: دانشگاههای مرکز استان گلستان) با مدل SWOT نشان داده است که آسیبها شامل رویکرد ابزاری دانشجویان به دروس معارف، نفوذ شبهات رسانه‌ای، تنزل جایگاه این دروس، ضعف در ارائه الگوهای کاربردی زندگی، عدم انطباق محتوا با نیازهای نسل جوان و ضعف علمی برخی اساتید است. (کابلی و همکاران، ۱۳۹۶)

در مقاله «سنجش نگرش دانشجویان نسبت به برنامه‌ریزی دروس معارف اسلامی»، مشخص شده است که بیش از ۸۰ درصد دانشجویان با اصل وجود این دروس موافق‌اند، اما نسبت به محتوا و شیوه ارائه آن انتقاد دارند. چالشها بیشتر در نحوه اجرا و پاسخگویی به نیازهای ذهنی دانشجویان است. (مجیدی و فاتحی، ۱۳۸۵)

مقاله «آسیب‌شناسی محتوایی دروس معارف اسلامی دانشگاهها: گرایش مبانی نظری اسلام» با استناد به دیدگاه شهید مطهری، نشان می‌دهد محتوای فعلی با اهداف تعلیم و تربیت اسلامی همخوانی ندارد و بیشتر نظری، غیر کاربردی و خطابه‌محور است. (عبادی، ۱۳۹۶)

پژوهش «شناخت آسیبها و راهکارهای کارآمدی دروس معارف در دانشگاه علوم پزشکی شیراز» نشان داده است که دانشجویان به ضعفهایی نظیر فقدان محتوای متناسب با نیازهای روز، ناکارآمدی متون درسی، روش تدریس سنتی و ضعف تعامل استاد با دانشجو اشاره کرده‌اند. (غلامی گنجوی و شمسایی، ۱۳۹۸)

پژوهشی با محوریت تجربه زیسته دانشجویان کارشناسی دانشگاه الزهرا بیان می‌کند که دانشجویان، محتوای دروس معارف را تکراری، غیر متناسب با سطح فکری و کم‌ارتباط با زندگی روزمره دانسته‌اند و به ضعف در مواجهه با کلیشه‌های جنسیتی و نبود فضای گفت‌وگو اشاره کرده‌اند. (یدی یزدان‌آباد سفلا، ۱۴۰۰)

در مقاله «کارکردهای گروه معارف اسلامی در آموزش سلامت معنوی: یک مطالعه کیفی»، نیاز به بازنگری محتوا و تمرکز بر نیازهای معنوی دانشجویان تأیید شده است. (توکل، ۱۴۰۱)

در مقاله دیگری، چالشهایی همچون: شیوه تدریس نامناسب، نبود تغییرات آموزشی، ضعف کارآمدی سیاستهای جذب اساتید و فضای نامناسب آموزش، شناسایی شده‌اند. (صفری و همکاران، ۱۴۰۳)

سه) راهکارهای بهبود وضعیت گروه معارف اسلامی

پایان‌نامه «بررسی مسائل و نیازهای دانشجویان در برنامه درسی دروس معارف اسلامی در دانشگاههای شهر تهران» به ضرورت به‌روزرسانی محتوا بر اساس نیازهای دانشجویان، توجه به جنبه‌های مهارتی و استفاده از شیوه‌های نوین تدریس، مانند بحث‌محوری، کارگاه آموزشی و روایت‌محور بودن تأکید دارد. (خوشی، ۱۳۹۱)

مریت ترلستاد^۱ (۲۰۰۸) در مقاله «اخلاق تدریس مؤثر: چالشهای جناح راست مذهبی و آموزش انتقادی»، بر اهمیت ایجاد فضای امن و محترمانه، آگاهی از سوگیری شخصی و دوری از تلقین و اجبار در کلاس درس، تأکید دارد که قابل تطبیق با آموزش معارف اسلامی است.

تحلیل اولویتها، چالشها و راهکارهای گروه معارف ... ۷۱

در مقاله‌ای دیگر، میزان رعایت مؤلفه‌های اخلاق حرفه‌ای آموزش مانند رعایت ادب، حفظ اسرار دانشجویان و بردباری در دانشگاه شاهد بررسی شده است. (فرمینی فراهانی و بهنام‌جام، ۱۳۹۱)

همچنین، نشانگرهای تدریس اثربخش از منظر اساتید نخبه بررسی شده است؛ شروع و پایان مناسب درس، تدریس سؤال‌محور و مشارکت دانشجویان، از جمله این موارد است. (شریفیان و همکاران، ۱۳۸۴)

مقاله‌ای دیگر نشان داده است که بین تعامل استاد و دانشجو، سبک تدریس تخصصی و تعاملی، با انگیزش پیشرفت، رابطه مثبت معناداری وجود دارد. (ذوالفقاری و همکاران، ۱۳۹۹)

در پژوهشی با هدف شناسایی شاخصهای تحول نظام آموزشی مبتنی بر بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، راهبردهایی مانند تقویت گفت‌وگو علمی و فرهنگی، جذب اساتید ارزشی و توسعه مشارکت دانشجویان در تصمیم‌گیری‌ها ارائه شده است. (محمدی و همکاران، ۱۴۰۳)

پژوهش حاضر با تمرکز بر دیدگاه اساتید استان خراسان جنوبی، به بررسی فرصتها و چالشهای گروه معارف اسلامی پرداخته، تصویری جامع از وضعیت این گروه ارائه می‌دهد تا بستر برنامه‌ریزی دقیق‌تر فراهم شود.

ب) روش پژوهش

پژوهش حاضر با رویکرد کیفی و با هدف بررسی دیدگاههای اساتید معارف اسلامی استان خراسان جنوبی، در خصوص اولویتهای تدریس، چالشها و فرصتهای گروه معارف اسلامی انجام شده است. قلمرو پژوهش، کلیه اساتید معارف اسلامی شاغل در دانشگاههای استان خراسان جنوبی بوده و نمونه‌گیری به صورت هدفمند (بر اساس حداکثر تنوع مبتنی بر گرایشهای مختلف معارفی) انجام گرفته است. پس از انجام ۱۳ مصاحبه با اساتید دارای سابقه تدریس و تجربه مرتبط، اشباع نظری حاصل شد و برای اطمینان، دو مصاحبه تکمیلی دیگر نیز انجام شد. ابزار اصلی جمع‌آوری داده‌ها، مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با استفاده از راهنمای مصاحبه شامل سؤالات باز بود. داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار MAXQDA تحلیل شدند. مراحل تحلیل، شامل پیاده‌سازی مصاحبه‌ها، کدگذاری اولیه، کدگذاری محوری، کدگذاری انتخابی، تحلیل نهایی و تفسیر داده‌ها بود. با تحلیل اولیه، ۱۰۶ کد باز، استخراج و کدهای به دست آمده بر اساس مفاهیم مشترک در کدهای باز، در ۱۸ مقوله محوری دسته‌بندی شد. در نهایت با توجه به سؤالات تحقیق، مقولات محوری در سه مقوله نهایی تقسیم‌بندی شد. برای اطمینان بیشتر، کدگذاری توسط هر دو پژوهشگر به صورت همزمان

۷۲ ♦ فصلنامه علمی مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، شماره ۱۰۳

انجام شد و علاوه بر آن، به منظور افزایش اعتبار و روایی تحقیق، نتایج با یافته‌های پژوهشهای مشابه تطبیق داده شد.

ج) یافته‌های پژوهش

مشارکت کنندگان در پژوهش، شامل اعضای هیئت علمی و حق‌التدریس دانشگاههای استان خراسان جنوبی بودند که بین ۱ تا ۲۲ سال سابقه تدریس دروس معارف اسلامی را داشتند. مصاحبه‌شوندگان از همه گرایشهای معارفی بودند و بین ۳۰ تا ۷۰ سال سن داشتند. اطلاعات دقیق‌تر در جدول ۱ بیان شده است.

جدول ۱: اطلاعات جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان

درصد	فراوانی		
۱۳	۲	هیئت علمی	نوع استخدام
۸۷	۱۳	حق‌التدریس	
۷	۱	کمتر از ۵ سال	سابقه تدریس
۲۷	۴	۵ تا ۱۰ سال	
۲۷	۴	۱۰ تا ۱۵ سال	
۴۰	۶	۱۵ تا ۲۰ سال	
۲۰	۳	مبانی نظری اسلام	گرایش
۱۳	۲	آشنایی با منابع اسلامی	
۴۰	۶	تاریخ و تمدن اسلامی	
۱۳	۲	انقلاب اسلامی	
۷	۱	اخلاق اسلامی	
۷	۱	دانش خانواده و جمعیت	
۲۰	۳	۳۰-۴۰	سن
۵۳	۸	۴۰-۵۰	
۲۰	۳	۵۰-۶۰	
۷	۱	۶۰-۷۰	

در ادامه، گزارشی از آنچه بر اساس دیدگاههای اساتید مصاحبه‌شونده، به دست آمده، بیان می‌شود.

۱. اولویتهای استاد معارف

اساتید مصاحبه‌شونده به موارد متعددی به عنوان اولویت استاد معارف اشاره کرده‌اند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که تبیین‌گری، تسلط علمی استاد و مهارت‌های ارتباطی استاد، بیش از همه مورد توجه اساتید بوده‌اند. درباره‌ی مورد تبیین‌گری، بیشترین تأکید بر تبیین مبانی انقلاب بود که در آن بر مواردی چون شناخت عمیق از اهداف و فلسفه انقلاب اسلامی، آگاه کردن دانشجویان از نقش خود در تحقق اهداف انقلاب و تبیین مفاهیم و چشم‌اندازهای بیان‌شده در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی اشاره شده بود. علاوه بر این، اساتید بر لزوم تبیین حقایق اسلام و تحکیم اعتقادات با روش عقلی و نیز تبیین منش‌های اخلاقی صحیح تأکید کردند. درباره‌ی مهارت‌های ارتباطی، اساتید مصاحبه‌شونده به مهارت‌های گفتاری از قبیل استفاده از زبان نرم، دوستانه، ساده و قابل فهم اشاره کردند و علاوه بر آن، به مواردی همچون درک فضای فکری و نیازهای روحی- روانی دانشجویان و درک نسل جدید اشاره کردند. در بحث تسلط علمی، آشنایی با منابع دست‌اول، تسلط بر روش‌های تدریس و داشتن اطلاعات عمیق و به‌روز، از جمله مواردی است که اساتید مصاحبه‌شونده بر آن تأکید داشتند. سایر اولویتهای اساتید مصاحبه‌شونده عبارتند از: شایستگی‌های اخلاقی استاد مانند اخلاص و تعهد، دوری از تعصب و جزم‌اندیشی؛ آراستگی ظاهری و باطنی؛ الگو بودن استاد در عمل؛ انگیزه‌بخشی به دانشجویان.

۲. چالشها و مشکلات تدریس در گروه معارف

یافته‌های پژوهش در زمینه چالشها و مشکلات تدریس در گروه معارف در چهار دسته چالشهای مربوط به اساتید، چالشهای مربوط به دانشجویان، چالشهای ناظر به محتوا و چالشهای معطوف به برنامه‌ریزی دسته‌بندی شدند. در بحث چالشهای مربوط به اساتید، به مواردی همچون: کمبود اعضای هیئت علمی در گروه معارف، حق‌الزحمه ناچیز اساتید مدعو، سستی اندیشیدن برخی اساتید مدعو و عدم ارتباط مناسب با دانشجویان اشاره کردند. در خصوص چالشهای مرتبط با دانشجویان، نگاه منفی داشتن به دروس معارف و علاقه نداشتن به این دروس، مضمونی بود که بیش از همه به آن اشاره شده بود. از دیگر موارد مطرح‌شده می‌توان به جدی نگرفتن دروس معارف، دیر قانع شدن دانشجویان و کم شدن اعتماد جوانان به دین اشاره کرد. جذابیت نداشتن محتوای دروس معارف، همپوشانی محتوا در برخی دروس، قانع‌کننده نبودن برهانهای رایج برای دانشجویان و نداشتن منبع واحد برای پاسخگویی به شبهات، از جمله چالشهای محتوایی بود که اساتید مصاحبه‌شونده به آن توجه

کرده بودند. تعداد زیاد دانشجویان در کلاسهای معارف و حضور دانشجویان از رشته‌ها و ترم‌های مختلف در یک کلاس، چالشهای ناظر به برنامه‌ریزی است که کار تدریس را در کلاسهای معارف با آسیبها و دشواری‌هایی مواجه می‌کند.

۳. راهکارها

در پاسخ به سؤال سوم مبنی بر اینکه «چه راهکارهایی برای برون‌رفت از این مشکلات ارائه می‌دهید؟»، اساتید مصاحبه‌شونده به پیشنهادهای متعددی اشاره کردند که در شش مضمون راهکارهای مربوط به تدریس اساتید، مهارتهای ارتباطی استاد، سطح علمی استاد، عمل به آموزه‌ها توسط استاد، مسائل سازمانی و محتوا، دسته‌بندی شدند. در بحث تدریس، راهکارهایی همچون: استفاده از زبان عقل و فطرت، استفاده از مثالهای عینی و ملموس، تدریس نوآورانه و خلاقانه و مشارکتی، از مهم‌ترین پیشنهادهای اساتید بود. در زمینه مهارتهای ارتباطی، دوست و همدل بودن با دانشجو، نگاه بالا به پایین نداشتن و ارتباط سازنده با نسل جوان، مسائل کلیدی‌ای بودند که مصاحبه‌شوندگان به آن اشاره کردند. در خصوص سطح علمی استاد، موضوعاتی همچون: به‌روز بودن، لزوم داشتن اطلاعات کافی و پاسخگویی به شبهات دانشجویان، مورد تأکید اساتید بود. آخرین راهکارهای مرتبط با اساتید نیز حاکی از لزوم عمل کردن اساتید به گفته‌های خود و آموزه‌های اسلام بود.

جدول ۲: کدهای باز، محوری و گزینشی

کدهای باز	کدهای محوری	کدهای گزینشی
تبیین حقایق اسلام، تبیین (روشنگری)، تبیین و تحکیم اعتقادات، بیان تعالیم اسلام با زبان اندیشه، تبیین و تحکیم منش‌های اخلاقی صحیح، تبیین مبانی و فلسفه و اهداف انقلاب، تبیین دستاوردهای انقلاب اسلامی، تبیین ضرورت حاکمیت مقتدر اسلامی، بیان مسئولیت همگان در تحقق اهداف انقلاب، تبیین ضرورت نظم و تقوا در جامعه.	تبیین‌گری	اولویتها
تلاش استاد برای الگوی مطلوب بودن برای دانشجویان، عمل کردن استاد به آنچه خودش می‌گوید، علم همراه عمل.	الگو بودن استاد (عمل به آنچه می‌گوید)	

تحلیل اولویتها، چالشها و راهکارهای گروه معارف ... ۷۵

استفاده از مؤثرترین راههای ارتباط با دانشجویان، زبان نرم و لحن و گفتار دوستانه، درک متقابل دانشجویان، درک دانشجو، تسلط بر فضای فکری دانشجو، آشنایی با نیازهای روحی روانی دانشجویان، انتقال مطالب با زبان نسل جدید، آشنایی با فرصتها و تهدیدهای پیش روی دانشجویان.	مهارت‌های ارتباطی استاد	
تسلط بر مطالب، تسلط بر تدریس، دسترسی به منابع دست اول و امکانات به‌روز علمی، لزوم داشتن اطلاعات بالا، مطالعه منابع دست اول، لزوم کسب تجربه، توانایی رفع تهدیدهای اعتقادی دانشجویان.	تسلط علمی استاد	
به‌روز بودن، پاسخگویی شبهات روز، مطرح کردن دروس معارفی متناسب با نیاز دانشجو، دانستن مسائل روز جامعه.	به‌روز بودن استاد	
دوری از تعصب و جزم‌اندیشی، اخلاص، تعهد.	شایستگی‌های اخلاقی استاد	
آراستگی ظاهری و باطنی، به لحاظ ظاهر مورد قبول اکثریت دانشجویان باشد.	آراستگی استاد	
	ایجاد انگیزه در دانشجو	
مشخص نبودن تکلیف اعضای گروه معارف، اعطای مجوز تدریس اساتید معارف نسبت به سطح‌بندی دانشگاهها، احساس برتری از سوی بعضی اساتید معارف، حق‌الزحمه ناچیز اساتید معارف، سخت بودن ارتباط صمیمانه برقرار کردن با دانشجو، کمبود اعضای هیئت علمی معارف، نبود هیئت علمی، عدم ارتباط عمومی با جوانان امروزی، سنتی‌اندیشیدن، عینیت بخشیدن به مسئله خدا در زندگی.	چالش‌های اساتید	چالشها
کم شدن اعتماد جوانان به دینداران، جدی گرفته نشدن دروس معارف از سوی دانشجویان و سایر اساتید، عدم تأثیرپذیری	چالش‌های دانشجویان	

دانشجویان از دروس معارف، علاقه نداشتن دانشجویان به محتوای دروس معارف، نمره آور بودن دروس معارف در نظر دانشجویان، انتظار حل همه مشکلات در کلاس معارف، با اکراه حاضر شدن دانشجو در کلاس معارف، نظر خنثی یا منفی بعضی دانشجویان نسبت به دروس معارف، دیر قانع شدن برخی دانشجویان، نگاه تدافعی دانشجو، عدم علاقه دانشجویان.		
محتوای یکسان دروس معارف با دروس دین و زندگی دبیرستان، انتخاب سرفصل توسط گروه معارف، جذابیت نداشتن محتوای ارائه شده، عدم دسترسی به منابع دست اول، نداشتن منبع واحد برای پاسخگویی، قانع کننده نبودن برهانهای رایج برای دانشجویان.	چالشهای محتوا	
تعداد دانشجویان، تعداد زیاد دانشجو در کلاس، رشته‌های متفاوت، ترم‌های متفاوت، کمبود امکانات آموزشی و کمک آموزشی	چالشهای برنامه‌ریزی	
ارائه و معرفی جذاب و مشارکتی دروس معارف برای دانشجو، استفاده از زبان عقل و فطرت برای تبیین، تحکیم مبانی فکری در تمام دروس، (افزایش) کیفیت تدریس اساتید، تغییر روش تدریس، تدریس نوآورانه، بیان تکراری نداشتن، استفاده نمودن از مثالهای عینی برای وجود خدا، عینیت بخشیدن به تواناییهای دین در رفع گرفتاری‌ها، لزوم پیراسته بودن اساتید از گرایشهای سیاسی اجتماعی.	تدریس استاد	راهکارها
با مهربانی او را با خود همراه کند، نگاه از بالا به دانشجو نداشته باشد، دوست و همدل	مهارتهای ارتباطی استاد	

تحلیل اولویتها، چالشها و راهکارهای گروه معارف ... ۷۷

بودن با دانشجو، ارتباط سازنده با نسل جوان.		
به روز بودن اساتید معارف، پاسخگویی به شبهات دانشجویان، اطلاعات دینی جدید، لزوم داشتن اطلاعات فراوان برای پاسخگویی به شبهات دانشجویان.	سطح علمی استاد	
لزوم عمل کردن استاد به آنچه می گوید، عمل به حقایق اسلام.	عمل به آموزه های دین توسط استاد	
برگزاری جلسه مختص خود اساتید برای بیان مشکلاتشان، قرار دادن امکانات مانند اپلیکیشن نور به اساتید معارف، تشکیل هیئت علمی برای دروس معارف از طریق مصوبه شورای عالی انقلاب، استفاده از اساتید با سابقه بالا، جذب هیئت علمی جدید، افزایش امکانات آموزشی و کمک آموزشی، کاهش تعداد دانشجویان در یک کلاس، افزایش حق التدریس اساتید، پشتیبانی خاص از اساتید معارف، اهمیت دادن به دروس معارف مانند دروس اصلی، فرهنگ سازی برای تغییر نگرش دانشجویان نسبت به دروس معارف، حفظ شأن اساتید معارف توسط گروه معارف و دفتر نهاد، لزوم اقدام نهاد مرکزی برای تدوین منبع واحد برای رفع چالشها، واگذاری موضوعات تدریس به استاد معارف بنابر نیازسنجی دانشجویان، لزوم رهاسازی دروس معارف از شائبه های حاکمیتی و سیاسی.	مسائل سازمانی	
به روز شدن محتوا.	محتوا	

(د) نتیجه گیری

پژوهش حاضر به بررسی چالشها، راهکارها و اولویتهای گروه معارف اسلامی از منظر اساتید خراسان جنوبی پرداخته است. در این قسمت ابتدا نتایج حاصل از یافته‌ها به تفکیک اولویتهای چالشها و راهکارها بیان می‌شود. سپس نتایج حاصل از دیدگاههای متفاوت اساتید بر اساس گرایش و سابقه تدریس ارائه می‌شود و در نهایت، تحلیلی جامع از مجموع نتایج بیان می‌شود.

۱. اولویتهای

طبق یافته‌های پژوهش در بخش اولویتهای گروه معارف، مهم‌ترین نکته مورد تأکید اساتید، نقش تبیین‌گری اساتید بوده است. درباره تبیین‌گری، بیشترین تأکید بر تبیین مبانی انقلاب بود که در آن بر مواردی چون: شناخت عمیق از اهداف و فلسفه انقلاب اسلامی، آگاه کردن دانشجویان از نقش خود در تحقق اهداف انقلاب و تبیین مفاهیم و چشم‌اندازهای بیان‌شده در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی اشاره شده بود. همسو با این یافته، محمدی و همکاران (۱۴۰۳) به اهمیت جهاد تبیین در چهار عرصه تبیین حرکت و اهمیت آن، تبیین نقاط امیدبخش، تبیین واقعیتهای میدان و تبیین راهبردها و راه حلها اشاره کرده‌اند. علاوه بر این، کاظم‌خانی (۱۴۰۰) بر نقش تبیین‌گری استاد، به ویژه در حوزه مبانی انقلاب اسلامی، در کنار «شناخت دین و زمانه»، به مثابه دو بال شناختی استاد برای دفاع عقلانی از دین و انقلاب اسلامی تصریح کرده است. بر این اساس، اهمیت تبیین‌گری توسط اساتید معارف و نقش ویژه ایشان در جهاد تبیین در سطح دانشگاهها، به خوبی روشن می‌شود.

اولویت دیگر مطرح‌شده توسط مصاحبه‌شوندگان، لزوم الگو بودن اساتید برای دانشجویان و ضرورت عمل به گفته‌های خود بود. خوش‌دامن و آیتی (۱۳۹۲) ریشه این ضرورت را در اعتقاد به نقش پرورشی و تربیتی اساتید دانسته‌اند. بر نقش الگویی استاد و الگوی عملی بودن، در آموزه‌های دینی نیز تأکید شده است. امام صادق (ع) می‌فرماید: «كُونُوا دُعَاءَ لِلنَّاسِ بِغَيْرِ اَلْسِنَتِكُمْ لِيَرَوْا مِنْكُمْ اَلْوَرَعَ وَ اَلْاِجْتِهَادَ وَ اَلْسَلَاةَ وَ اَلْخَيْرَ فَإِنَّ ذَلِكَ دَاعِيَةٌ؛ شما نسبت به مردم داعی و مبلغ باشید با جز زبان خود، تا از شما پارسایی و کوشش و نماز و کار خیر ببینند؛ زیرا اینها خودشان دعوت‌کننده خوبی هستند». (الکافی، ج ۲: ۷۸؛ اصول کافی، ترجمه کمره‌ای، ج ۴: ۲۴۹)

مهارتهای ارتباطی استاد، اولویت دیگری بود که توسط اساتید معارف بدان اشاره شده بود. منظور از مهارتهای ارتباطی از نظر اساتید مصاحبه‌شونده، آشنایی با نیازهای روحی و روانی دانشجویان، انتقال مطالب با زبان نسل جدید، استفاده از زبان نرم و لین و دوستانه و

درک متقابل دانشجویان است. این مؤلفه هم‌راستا با پژوهش ترلستاد (۲۰۰۸) است که بر ایجاد فضایی امن و محترمانه در کلاس تأکید می‌کند و معتقد است اساتید باید به دیدگاههای دانشجویان احترام بگذارند. بدون تردید، ایجاد فضای امن و محترمانه و درک فضای ذهنی دانشجو با ایجاد فضای امن و صمیمی در کلاس، زمینه را برای تأثیرگذاری بر دانشجو بیشتر فراهم می‌کند.

اولویت مهم دیگر از نظر اساتید، تسلط علمی استاد بود که شامل تسلط بر روش تدریس، تسلط بر محتوا، و داشتن اطلاعات بالا می‌شود. ترلستاد (۲۰۰۸) نیز بر لزوم مطالعه و افزایش علم و تجربه‌ی اساتید تأکید می‌کند. دارایی و همکاران (۱۳۹۱) نیز بر توسعه دانش اساتید تصریح کرده‌اند. همچنین نتایج پژوهش مرادی دولیسکانی (۱۳۹۳) بر افزایش دانش نظری و به‌روز کردن محتوای علمی اساتید، به‌علاوه تسلط بر دانش فنی تدریس و تسلط بر روشهای تدریس اشاره دارد. بنابر این، اشراف علمی اساتید بر محتوا، در کنار تسلط بر روشهای تدریس تعاملی و به‌روز، مقوله‌ای است که برای افزایش کیفیت کلاسهای درس، از جمله دروس معارف ضروری است.

شایستگی‌های اخلاقی استاد، اولویت دیگری است که اساتید مصاحبه‌شونده به آن اذعان داشته‌اند و در این زمینه بر دوری از تعصب و جزم‌اندیشی تأکید کرده بودند. این نتیجه، همسو با نتایج پژوهش ترلستاد (۲۰۰۸) است که اساتید باید از تحمیل دیدگاه خود به دانشجویان پرهیز کنند. اخلاص و تعهد از جمله شایستگی‌های مورد تأکید اساتید مصاحبه‌شونده بود که هم‌راستا با نتایج پژوهش مرادی دولیسکانی (۱۳۹۳) است که دارا بودن اخلاص و قصد قربت را یکی از مؤلفه‌های اخلاق حرفه‌ای اساتید معرفی می‌کند و علاوه بر آن، به تعهد کاری و مسئولیت‌پذیری نسبت به توسعه خود و رشد دانشجو نیز اشاره می‌کند. اساتید مصاحبه‌شونده به آراستگی ظاهری و باطنی استاد و نیز مقبولیت ظاهر او از نظر دانشجویان به عنوان اولویتی دیگر اشاره کرده‌اند که همین نکته در پژوهش مرادی دولیسکانی (۱۳۹۳) نیز تأیید شده است. ظاهر آراسته و مناسب استاد در کلاس درس تأثیر مثبتی بر روحیه دانشجویان می‌گذارد و مقبولیت استاد را نزد دانشجویان بالا می‌برد.

۲. چالشها

در بحث از چالشها، چهار دسته چالشهای ناظر به اساتید، ناظر به دانشجویان، محتوا و برنامه‌ریزی، شناسایی شدند. در بخش مربوط به اساتید، برخی چالشها به ساختارهای سازمانی بازمی‌گردند؛ از جمله: نبود یا کمبود اعضای هیئت علمی در برخی دانشگاهها و پایین بودن

حق‌الزحمه اساتید حق‌التدریس. این مسائل نیازمند توجه و همکاری جدی وزارت علوم و نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌هاست. پژوهش صفری و همکاران (۱۴۰۳) نیز بر اهمیت این موضوع تأکید داشته، به ویژه با توجه به اینکه مشارکت اساتید حق‌التدریس در گروه معارف، نسبت به سایر گروه‌ها چشمگیرتر است.

علاوه بر این، اساتید مصاحبه‌شونده به چالش‌هایی در حوزه توانمندی‌های فردی نیز اشاره کرده‌اند؛ از جمله: سنتی‌اندیشی برخی اساتید و ناتوانی در برقراری ارتباط مؤثر با نسل جوان. این موضوع با یافته‌های پژوهش غلامی گنجوی و شمسایی (۱۳۹۸) و نیز فیروزی (۱۳۹۴) هم‌راستاست و می‌توان آن را با راهکارهایی که در بخش بعدی ارائه خواهد شد، برطرف کرد.

چالش‌های مربوط به دانشجویان نیز از دیدگاه اساتید قابل توجه است. از جمله این چالش‌ها می‌توان به بی‌علاقگی دانشجویان به محتوای دروس معارف، جدی نگرفتن این دروس، داشتن نگرشی منفی یا خنثی نسبت به آنها، نگاه تدافعی و دیرقانع شدن دانشجویان اشاره کرد. پژوهش صفری و همکاران (۱۴۰۳) نیز بر وجود پیش‌داوری‌هایی در ذهن دانشجویان نسبت به دین و نگاه ماتریالیستی آنان به جهان تأکید دارد که این موارد، ریشه شکل‌گیری نگرش تدافعی در دانشجویان را روشن‌تر می‌سازد. یکی دیگر از چالش‌های ناظر به دانشجویان، نمره‌آور بودن دروس معارف در نظر دانشجویان بود. این یافته با پژوهش کابلی و همکاران (۱۳۹۶) همسو است؛ ایشان نیز بر غلبه رویکرد کمیت‌گرا در بین دانشجویان، مبنی بر اخذ نمره بالا در دروس معارف برای ارتقای معدل تصریح داشته‌اند.

در میان چالش‌های مطرح‌شده، چالش‌های محتوایی جایگاه ویژه‌ای دارند. یکی از نکات مهم، تکراری بودن محتوای دروس معارف و شباهت زیاد آن با دروس «دین و زندگی» دوران دبیرستان است. این مسئله در پژوهش یدی یزدان‌آباد سفلا (۱۴۰۰) نیز تأکید شده است؛ به طوری که محتوای دروس معارف در این پژوهش، اغلب ابتدایی و تکراری توصیف شده‌اند.

چالش دیگری که مشابه چالش قبلی است، نبود جذابیت در محتوای دروس معارف است. این موضوع با نتایج پژوهش مجیدی و فاتحی (۱۳۸۵) همخوانی دارد. در این پژوهش، محتوای دروس معارف از نظر داشتن زبانی روان، جذاب و تأثیرگذار، در وضعیت مطلوبی ارزیابی نشده‌اند.

همچنین، یافته‌های پژوهشهای مرادی دولیسکانی (۱۳۹۳) و حلیمی جلودار (۱۳۹۴) نشان می‌دهد که میزان رضایت دانشجویان از دروس معارف اسلامی در حد متوسط بوده است. این نتیجه نیز مؤید آن است که بازنگری جدی در محتوای این دروس ضروری است؛ موضوعی که متولیان آموزشی، به ویژه نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها، باید توجه ویژه‌ای به آن داشته باشند.

یکی دیگر از اشکالات محتوایی، قانع‌کننده نبودن مطالب برای دانشجویان است؛ موضوعی که برخی از اساتید مصاحبه‌شونده نیز به آن اشاره کرده‌اند. این مسئله در پژوهش یدی یزدان‌آباد سفلا (۱۴۰۰) نیز تأیید و در تحقیق صفری و همکاران (۱۴۰۳) به صورت «دفاع ضعیف اساتید از آموزه‌های دینی» مطرح شده است. همچنین، یافته‌های پژوهش مجیدی و فاتحی (۱۳۸۵) نیز این موضوع را تکمیل می‌کند؛ زیرا طبق نتایج این پژوهش، دروس معارف اسلامی نتوانسته‌اند به خوبی مهارت‌های فکری و عملی دینی دانشجویان را تقویت کنند یا پاسخگوی نیازهای دانشی و بینشی آنان باشند.

چالشهای مرتبط با برنامه‌ریزی دروس معارف، شامل مسائلی نظیر تعداد بالای دانشجویان در کلاسها، حضور دانشجویان از رشته‌ها و ترم‌های مختلف در یک کلاس و نیز کمبود امکانات آموزشی و کمک‌آموزشی است. این موارد، اغلب باعث بروز مشکلاتی برای اساتید می‌شود و به همین دلیل، در بیشتر پژوهشها که عمدتاً از زاویه دید دانشجویان انجام شده‌اند، کمتر به آنها پرداخته شده است. تنها در پژوهش صفری و همکاران (۱۴۰۳) به موضوع جمعیت بالای کلاسهای معارف اشاره شده است. بی‌تردید، تعداد زیاد دانشجویان در یک کلاس می‌تواند مانعی برای ارائه کیفی درس و نیز برقراری ارتباط مؤثر بین استاد و دانشجو باشد.

۳. راهکارها

در بخش راهکارها، اساتید مصاحبه‌شونده به ارائه راهکارهایی پرداختند که در شش مقوله تدریس استاد، مهارت‌های ارتباطی استاد، سطح علمی استاد، عمل به آموزه‌های دین توسط استاد، مسائل سازمانی و راهکارهای ناظر به محتوا دسته‌بندی شدند. در زمینه تدریس استاد، ارائه جذاب و تدریس مشارکتی مورد تأکید اساتید بود که همسو با نتایج پژوهش ذوالفقاری و همکاران (۱۳۹۹) و یدی یزدان‌آباد سفلا (۱۴۰۰) است که بر استفاده از روش تدریس تعاملی تصریح کرده‌اند و استفاده از آن را موجب ارتقای انگیزه دانشجویان برای یادگیری دانسته‌اند.

استفاده از زبان عقل و فطرت و نیز تحکیم مبانی فکری، راهکار دیگری بود که اساتید به آن توجه کرده بودند. فلنسنر (۲۰۲۰) نیز به استفاده از استدلال‌های دینی برای حمایت از ارزشهای موجود در برنامه درسی اشاره کرده است. علاوه بر این، تغییر روش تدریس، تدریس نوآورانه و استفاده از بیانات غیرتکراری، از دیگر راهکارهای مورد توجه اساتید مصاحبه‌شونده بود. در همین راستا، غلامی گنجوی و شمسایی (۱۳۹۸) نیز بر پرهیز از روشهای خطایی و استادمحور و استفاده از روشهای نوین آموزشی از جمله روش اردوی آموزشی - معرفتی و سیر مطالعاتی برای ارتقای سطح علمی دانشجویان توصیه کرده‌اند. راهکار دیگر پیشنهادی اساتید، استفاده از مثالهای عینی بود که همسو با نتایج شریفیان و همکاران (۱۳۸۴) است. فیروزی (۱۳۹۴) نیز بر این باور است که دانش، مهارت و نگرش اساتید، می‌بایست با برگزاری کارگاههای روش تدریس و نشستهای علمی ارتقا یابد.

راهکارهای مطرح در زمینه مهارتهای ارتباطی استاد، شامل مؤلفه‌هایی چون: دوست و همدل بودن با دانشجو، همراهی و مهربانی با دانشجو و نداشتن نگاه از بالا به پایین نسبت به دانشجو بود. این مؤلفه‌ها در پژوهش فرمینی فراهانی و بهنام‌جام (۱۳۹۱) نیز تأیید شده است؛ آنان به لزوم خوشرویی، فروتنی و مهربانی استاد، به عنوان یکی از مؤلفه‌های اخلاق حرفه‌ای اشاره کرده‌اند.

درباره سطح علمی استاد؛ به‌روز بودن اساتید معارف، داشتن اطلاعات دینی جدید و نیز اطلاعات دینی فراوان برای پاسخگویی به شبهات دانشجویان مطرح شده بود که هم‌راستا با نتایج پژوهش یدی یزدان‌آباد سفلا (۱۴۰۰) است. تسلط اساتید بر جنبه‌های مختلف مباحث دروس معارف اسلامی بسیار مهم و راهگشاست و از مؤلفه‌های اخلاق حرفه‌ای اساتید نیز به حساب می‌آید. (مرادی دولیسکانی، ۱۳۹۳)

عمل به آنچه استاد می‌گوید، به عنوان آموزه‌های دین، راهکار دیگری است که اساتید مصاحبه‌شونده به آن اذعان داشته‌اند که در پژوهش مرادی دولیسکانی (۱۳۹۳) نیز تأیید شده است.

راهکار اصلی پیشنهادی اساتید مصاحبه‌شونده درباره محتوای دروس معارف، به‌روز شدن محتواست. یدی یزدان‌آباد سفلا (۱۴۰۰) در پژوهش خود، این راهکار را مورد توجه قرار داده و بیان داشته است که دانشجویان معتقدند محتوای دروس معارف اسلامی اغلب جنبه نظری دارد و ارتباط کمی با مسائل و چالشهای زندگی روزمره آنان برقرار می‌کند. از این رو، بازنگری اساسی در محتوای دروس لازم است و شایسته است دروس معارف با توجه به

سطح دانش و نیازهای دانشجویان بازطراحی شوند. در این راستا، کابلی و همکاران (۱۳۹۶) بر افزودن جنبه‌های کاربردی و لزوم بازنگری جامع در محتوای دروس توجه داشته‌اند. خوشی (۱۳۹۱) نیز به لزوم نیازسنجی واقعی از دانشجویان در کلاسهای معارف تأکید کرده است. همچنین باید از پژوهشهای جدید در زمینه علوم اسلامی و انسانی، در تدوین محتوای دروس معارف استفاده شود. در همین راستا، ضرورت اقدام عاجل برای بازنگری جامع در دروس معارف اسلامی، در پژوهش عبادی (۱۳۹۶) تصریح شده است. غلامی گنجوی و شمسایی (۱۳۹۸) بر کاربردی کردن محتوای آموزشی برای دانشجویان و صفری و همکاران (۱۴۰۳) بر لزوم به کارگیری آیت‌های مختلف کاربردی و جوان‌پسند شدن کتاب تأکید کرده‌اند.

برخی راهکارهای پیشنهادی اساتید، ناظر به مسائل سازمانی و همسو با دیگر پژوهشها بود؛ مانند جذب هیئت علمی جدید (صفری و همکاران، ۱۴۰۳)، افزایش امکانات آموزشی و کمک آموزشی (یدی یزدان آباد سفلا، ۱۴۰۰)، حفظ شأن اساتید معارف توسط گروه معارف و دفتر نهاد رهبری (صفری و همکاران، ۱۴۰۳). برخی راهکارهای سازمانی پیشنهادی با دیگر پیشنهادها تکمیل می‌شوند. برای نمونه، اساتید مصاحبه‌شونده بر لزوم رهاسازی دروس معارف از شائبه‌های حاکمیتی و سیاسی تأکید کردند. از طرفی، نتایج پژوهش یدی یزدان آباد سفلا (۱۴۰۰) نشان می‌دهد که چگونه مسائلی مانند تفسیرهای متفاوت از متون دینی، اعیاد، بخشایش، مناقشه اسرائیل و فلسطین و سقط جنین، به عنوان موضوعات سیاسی باز، در کلاسهای درس مطرح شدند و به شیوه‌ای باز و غیر دستوری تدریس شدند. واگذاری موضوعات تدریس به استاد معارف بر اساس نیازسنجی دانشجویان، راهکار پیشنهادی دیگر اساتید مصاحبه‌شونده بود. یدی یزدان آباد سفلا (۱۴۰۰) نیز خاطرنشان کرده است که برنامه‌ریزان درسی باید محتوای دروس معارف اسلامی را با توجه به سطح دانش و نیازهای دانشجویان دانشگاهی بازنگری کنند. مجیدی و فاتحی (۱۳۸۵) نیز بر لزوم پاسخگویی به نیازهای هویتی و رفتاری دانشجویان تأکید کرده‌اند.

بدین ترتیب، اهمیت واگذاری اداره کلاس مبتنی بر نیازهای دانشجویان به اساتید معارف، ضرورتی است که نتایج بسیاری از پژوهشها بر آن صحه می‌گذارد. البته باید خاطرنشان ساخت طرح «نیازمحور» که چندین سال پیش از سوی نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها پیشنهاد شده بود، ناظر به همین دغدغه بود؛ منتها اجرای دقیق و با

کیفیت آن مستلزم زمینه‌سازی‌هایی بود و آن را با چالش‌هایی مواجه ساخت که پرداختن مفصل به آن از حیطه این نوشتار خارج است و پژوهشی جداگانه می‌طلبد. در مجموع می‌توان گفت برای ارتقای کیفی دروس معارف، باید نتایج پژوهش‌های مختلف را که از جنبه‌های متفاوت و از منظر اساتید و دانشجویان بررسی شده‌اند، مد نظر قرار داد و برنامه‌ای جامع برای بهبود وضعیت کلاسهای معارف در دانشگاهها تدوین کرد؛ برنامه‌ای که بتواند آسیبهای موجود را به حداقل برساند و رسالت دروس معارف را در انتقال صحیح دین به نسل جوان به بهترین نحو محقق سازد.

۴. تحلیل نتایج بر اساس گرایش تخصصی و سابقه تدریس اساتید

اساتید با تخصص در گرایشهای تاریخ و انقلاب اسلامی، عمدتاً بر اهمیت پاسخگویی فعال به شبهات، تبیین مسائل تاریخی برای نسل جدید و نقش آفرینی اساتید در عرصه روشنگری فکری تأکید داشتند. بر اساس دیدگاه این اساتید، شرایط اجتماعی و فرهنگی معاصر ایجاب می‌کند که استاد نه تنها انتقال‌دهنده دانش تاریخی صرف، بلکه مفسر نقاد و روشنگر جریانهای فکری معاصر نیز باشد.

در مقابل، اساتید دارای گرایش آشنایی با منابع اسلامی، بیشتر بر جنبه‌های اخلاقی، تربیتی و معنوی تأکید ورزیدند. به باور این گروه، الگو بودن استاد، تقوای الهی، خلوص نیت در تدریس و اهتمام به انتقال معارف قرآنی، به صورت کاربردی و مؤثر، مؤلفه‌هایی کلیدی در موفقیت آموزشی و تربیتی محسوب می‌شوند. آنان بر این باورند که تأثیرگذاری استاد، فراتر از محتوا و روش تدریس است و تا حد زیادی به زیست ایمانی و عمل‌گرایی دینی او وابسته است.

همچنین، اساتید دارای سابقه تدریس و تجربه بیشتر، در تمامی گرایشها، دیدگاههای جامع‌تر و ترکیبی‌تری ارائه دادند. برای نمونه، بر تضاد میان واقعیت‌های اجتماعی و تعالیم اسلامی تأکید داشتند؛ در حالی که اساتید با سابقه کمتر، اغلب به نحوه ارتباط با دانشجوی، ظاهر و منش استاد توجه دارند.

۵. تحلیل نهایی و دلالت‌های کاربردی پژوهش

یافته‌های این پژوهش صرفاً به شناسایی چالشها، راهکارها و اولویتهای گروه معارف اسلامی محدود نمی‌شود؛ بلکه دارای دلالت‌های مهمی برای سیاستگذاری آموزشی، برنامه‌ریزی درسی و عملکرد حرفه‌ای اساتید است. نکته کلیدی که در تبیین اولیتهای از منظر اساتید برجسته شد، نقش محوری «تبیین‌گری» در چارچوب بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی است.

این یافته نشان می‌دهد که در شرایط کنونی کشور، اساتید معارف نه تنها وظیفه آموزشی دارند، بلکه نقش اجتماعی-گفتمانی آنان نیز برجسته شده، باید در سیاستهای کلان آموزش عالی بازتعریف شود.

دلالت مهم دیگر، نیاز به تحول ساختاری و محتوایی در نظام برنامه‌ریزی آموزشی دروس معارف است. چالشهایی مانند تکراری بودن محتوا، ضعف در پیوند با زندگی روزمره دانشجویان، و ناتوانی در پاسخگویی به شبهات، نشان می‌دهند که بازنگری در محتوا باید نه صرفاً بازنویسی جزوات و کتب، بلکه بازطراحی منابع درسی معارف اسلامی با رویکرد نیازمحور و مسئله‌محور باشد. بر این اساس، پیشنهاد می‌شود طراحی محتوای دروس معارف بر اساس رویکردهای تلفیقی (ترکیب معرفت دینی با مباحث روز اجتماعی، روان‌شناسی، علوم انسانی نوین و دغدغه‌های نسلی) بازتنظیم شود.

از منظر برنامه‌ریزی منابع انسانی، یافته‌ها حاکی از شکاف قابل توجه میان انتظارات تربیتی از اساتید و امکانات سازمانی موجود، مانند نبود هیئت علمی کافی یا پایین بودن حمایتها از اساتید حق‌التدریس است. این موضوع می‌طلبد که نهادهای سیاستگذار آموزشی، مانند وزارت علوم و نهاد نمایندگی رهبری در دانشگاهها، سیاستهای حمایتی مشخصی برای جذب، ارتقا و نگهداشت اساتید معارف طراحی کنند.

در سطح خرد و در عرصه عمل آموزشی، یافته‌ها تأکید ویژه‌ای بر نقش اخلاقی و الگویی استاد دارند. بنابر این، طراحی کارگاههای آموزش مهارت‌های ارتباطی، روش تدریس تعاملی و ارتقای بینش تربیتی اساتید، باید بخشی جدایی‌ناپذیر از فرایند توانمندسازی آنان باشد.

منابع

- توکل، مجید و ناهید توکل، (۱۴۰۱). «کارکردهای گروه معارف اسلامی در آموزش سلامت معنوی: یک مطالعه کیفی». *مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی*، ۹۱(۲۶): ۴۳۶-۴۱۹.
- توفیقی، جعفر (۱۳۸۱). «دروس معارف جزء لاینفک برنامه درسی است». *نشریه معارف*، ش ۵: ۱۹.
- حبیبی، نجفقلی (۱۳۷۹). «ویژگی‌های دانشگاه اسلامی و مطلوب از نظر امام خمینی». *مجموعه مقالات دانشگاه، جامعه و فرهنگ اسلامی*، ج ۲: ۱۷۸-۱۷۴.
- خوش‌دامن، صدیقه و محسن آیتی (۱۳۹۲). «مقایسه فرهنگ آموزش و یادگیری در دو نسل اعضای هیئت علمی دانشگاه بیرجند از منظر نقش استاد». *مطالعات فرهنگی-اجتماعی خراسان*، ۲۶(۲): ۸۵-۱۰۸.
- خوشی، ابوالفضل (۱۳۹۱). *تبیین و شناسایی مسائل و نیازهای دانشجویان در برنامه درسی دروس معارف اسلامی دانشگاه‌های شهر تهران به منظور ارائه الگوی مطلوب*. استاد راهنما: حسن ملکی. پایان‌نامه دکتری رشته علوم تربیتی.
- دارایی، اسماعیل؛ مهران فرج‌اللهی و محمدرضا سرمدی (۱۳۹۱). «نیازسنجی آموزشی اساتید گروه معارف از نظر اساتید این گروه در دانشگاه‌های استان تهران در سال تحصیلی ۹۰-۹۱». *مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی*، ۵۳(۱۶): ۷۵۷-۷۳۱.
- ذوالفقاری، مینا؛ زهرا جانقربانیان، کیانا کاروان بروجردی و علی آقازیارتی، (۱۳۹۹). «بررسی نقش روشهای تدریس و تعامل استاد و دانشجو در انگیزه پیشرفت تحصیلی دانشجویان مشروطی». *راهبردهای آموزش در علوم پزشکی*، ۱۳(۳): ۲۲۸-۲۲۰.
- شریفیان، فریدون؛ احمدرضا نصر و لطفعلی عابدی (۱۳۸۴). «تبیین نشانگرهای تدریس اثربخش در دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی و میزان تحقق آن در دانشگاه اصفهان». *پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، ۱۱(۳-۴): ۵۲-۲۵.
- صفری شالی، رضا؛ نیره قوی و مجتبی اسلامی (۱۴۰۳). «چالشهای اثربخشی دروس معارف اسلامی در دانشگاهها (مطالعه کیفی-میدانی)». *فرهنگ در دانشگاه اسلامی*، ۵۳(۱۴): ۸۸-۴۹.

تحلیل اولویتها، چالشها و راهکارهای گروه معارف ... ♦ ۸۷

- عبادی، اعظم (۱۳۹۶). «آسیب‌شناسی محتوایی دروس معارف اسلامی دانشگاهها: گرایش مبانی نظری اسلام، مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی». ۲۱(۲): ۱۵۷-۱۷۸.
- غلامی گنجوی، عبدالله و مریم شمسایی (۱۳۹۸). «شناخت آسیبها و راهکارهای کارآمدی دروس معارف اسلامی در دانشگاه علوم پزشکی شیراز». *مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی*، ۸۰(۲۳): ۴۲۸-۴۱۵.
- فرمehنی فراهانی، محسن و لیلا بهنام‌جام (۱۳۹۱). «بررسی میزان رعایت مؤلفه‌های اخلاق حرفه‌ای آموزش در اعضای هیئت علمی دانشگاه شاهد». *اخلاق در علوم و فناوری*، ۱۷(۱): ۵۵-۶۴.
- فیروزی، رضا (۱۳۹۴). «آسیب‌شناسی دروس و جایگاه استادان معارف اسلامی با توجه به دیدگاههای دانشجویان علوم پزشکی ارومیه در دوره‌های دکترای حرفه‌ای». *مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی*، ۶۳(۱۹): ۱۷۲-۱۵۱.
- کابلی، قاسمعلی؛ علی وطنی و محمدتقی ملک حسینی (۱۳۹۶). «تحلیل و ارزیابی گروه معارف اسلامی دانشگاهها و مراکز آموزش عالی (مورد مطالعه: دانشگاههای مرکز استان گلستان)». *مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی*، ۷۳(۴): ۵۱۴-۴۹۹.
- کاظم‌خانی، حبیب‌الله (۱۴۰۰). «ویژگی‌های شناختی و رفتاری مؤثر بر عملکرد اساتید گروه معارف اسلامی». *مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی*، ۹۸(۴): ۱۰۹۴-۱۰۷۷.
- مجیدی، محمدرضا و ابوالقاسم فاتحی (۱۳۸۵). «بررسی سنجش نگرش دانشجویان نسبت به برنامه‌ریزی دروس معارف اسلامی». *پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، ۱۲(۴۱): ۳۷-۵۵.
- محمدی، عباس؛ فاطمه عزیزآبادی فراهانی، محسن عامری شهرابی و عباسعلی قیومی (۱۴۰۳). «طراحی الگوی راهبردهای فرهنگی نقش دانشگاه در جهاد تبیین مبتنی بر بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی». *مطالعات وحدت حوزه و دانشگاه*، ۲(۱): ۳۱-۴۸.
- محمدی، عبدالله (۱۳۸۹). «مبانی نقد مدرنیته در اندیشه سید حسین نصر». *معرفت*، ۱۹(۱۵۹): ۱۲۳-۱۳۰.

- مرادی دولیسکانی، مرتضی (۱۳۹۳). **شناسایی مؤلفه‌ها و استانداردهای اخلاق حرفه‌ای تدریس استادان معارف اسلامی**. ، پایان‌نامه کارشناسی، ارشد رشته برنامه‌ریزی درسی. مشهد: دانشگاه فردوسی.
- یدی یزدان‌آباد سفا، زهرا (۱۴۰۰). **بررسی تجربه زیسته دانشجویان کارشناسی از دروس عمومی معارف اسلامی در دانشگاه الزهرا (س)**. استاد راهنما: ملوک خادمی اشکذری. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه الزهرا (س).
- یوسفی لویه، وحید (۱۳۸۶). «تأثیر آموزش دروس معارف اسلامی بر نگرش دینی دانشجویان». *تربیت اسلامی*، ۵ (۳): ۱۸۴-۱۵۳.
- Flensner, K. (2020). "Teaching Controversial Issues in Diverse Religious Education Classrooms". *Department of Social and Behavioural Studies*, 11(9): 465.
- Trelstad, M. (2008). "The Ethics of Effective Teaching: Challenges from the Religious Right and Critical Pedagogy". *Teaching Theology and Religion*, 11(4): 191-202.
- Darayi, E.; M. Farajollahi & M. Sarmadi (2012). "Educational Needs Assessment of Islamic Studies Professors in Tehran Universities". *Journal of Knowledge Studies in Islamic University*, 16(53): 731-757. [In Persian]
- Firoozi, R. (2015). "Pathology of Islamic Studies Courses and Professors' Role According to the Viewpoints of Medical Students of Urmia". *Journal of Knowledge Studies in Islamic University*, 19(63): 151-172. [In Persian]
- Gholami Ganjavi, A. & M. Shamsaee (2019). "Identifying Challenges and Strategies for Improving the Efficiency of Islamic Studies Courses in Shiraz University of Medical Sciences". *Journal of Knowledge Studies in Islamic University*, 23(80): 415-428. [In Persian]
- Habibi, N. (2000). "Characteristics of an Islamic and Ideal University from Imam Khomeini's Perspective." In: *University, Society, and Islamic Culture*, Vol. 2: 174-178. [In Persian]
- Kabolee, Q.; A. Vatani & M.T. Malek Hosseini (2017). "Analysis and Evaluation of Islamic Studies Groups in Universities (Case Study: Universities in Golestan Province)". *Journal of Knowledge Studies in Islamic University*, 4(73): 499-514. [In Persian]
- Kazemkhani, H. (2021). "Cognitive and Behavioral Characteristics Influencing the Performance of Islamic Studies Professors". *Journal*

- of Knowledge Studies in Islamic University*, 4(98): 1077-1094. [In Persian]
- Khoshdaman, S. & M. Ayati (2013). **"Comparing Teaching and Learning Culture Among Two Generations of Faculty Members at Birjand University"**. *Journal of Cultural and Social Studies of Khorasan*, 26(2): 85-108. [In Persian]
 - Khoshi, A. (2012). **Identifying Issues and Needs of Students in the Curriculum of Islamic Studies Courses in Tehran Universities to Propose an Optimal Model**. PhD Dissertation. Tarbiat Modares University. [In Persian]
 - Majidi, M.R. & A. Fatehi (2006). **"Assessing Students' Attitudes Toward the Planning of Islamic Studies Courses"**. *Journal of Research and Planning in Higher Education*, 12(41): 37-55. [In Persian]
 - Mohammadi, A. (2010). **"Foundations of Critique of Modernity in the Thought of Seyyed Hossein Nasr"**. *Ma'refat*, 19(159): 123-130. [In Persian]
 - Mohammadi, Abbas; Fatemeh Azizabadi Farahani, Mohsen Ameri Shahrabi and Abbas Ali Ghoumi (2024), **"Designing a Model of Cultural Strategies of the Role of the University in Jihad of Explanation Based on the Statement of the Second Step of the Islamic Revolution"**. *Seminary and University Unity Studies*, 2(1): 31-48.
 - Moradi Dooliskani, M. (2014). **Identifying Ethical Standards of Teaching for Islamic Studies Professors**. Master's Thesis. Mashhad: Ferdowsi University. [In Persian]
 - Saffari Shali, R.; N. Ghavi & M. Eslami (2024). **"Challenges of the Effectiveness of Islamic Studies Courses in Universities (A Qualitative Field Study)"**. *Journal of Culture in Islamic University*, 14(53): 49-88. [In Persian]
 - Sharifian, F.; A.R. Nasr & L. Abedi (2005). **"Identifying Effective Teaching Indicators in Universities and Higher Education Institutions"**. *Journal of Research and Planning in Higher Education*, 11(3-4): 25-52. [In Persian]
 - Tavakol, M. & N. Tavakol (2022). **"The Role of Islamic Studies Groups in Promoting Spiritual Health Education: A Qualitative Study"**. *Journal of Knowledge Studies in Islamic University*, 26(91): 419-436. [In Persian]
 - Tofighi, J. (2002). **"Islamic Studies Courses as an Integral Part of University Curricula."** *Ma'aref Journal*, 5: 19-24. [In Persian]

- Yadi Yazdanabad Sofla, Z. (2021). **Exploring Undergraduate Students' Lived Experiences of Islamic Studies Courses at Al-Zahra University**. Master's Thesis. Al-Zahra University. [In Persian]
- Yousefi Loya, V. (2007). **"The Effect of Islamic Studies Courses on Students' Religious Attitudes"**. *Biannual Journal of Islamic Education*, 5(3): 153-184. [In Persian]
- Zulfikari, Mina and others (2010). **"Examining the role of teaching methods and teacher-student interaction in motivating conditional students' academic progress."** *Education Strategies in Medical Sciences*, 13(3): 228-220.

